



مدنی حقوق

شاپا چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شاپا الکترونیک: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

دوره ۵ - شماره ۱۲ - پاییز ۱۴۰۱

امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - **روشنعلی شکاری، سید مصطفی میلانی**
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - **عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور**
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - **ابراهیم موسی زاده، محمد صالحی**

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - **محمدعلی حاجی ده آبادی، روح‌الله شمشیری**
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - **سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب، نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده**

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تاکید بر پناه جویان زیست محیطی - **مهناز خرسندی، عسکر جلالیان**
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - **محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها**
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - **علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی**
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تاکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت تسلیحات نظامی متعارف - **پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان**
کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - **مریم شعبان**

اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - **امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه**
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - **مصطفی فضائلی، آرش ملک**
جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - **سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری**
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی - **محمد ستایش‌پور، پرینان شفانی**

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تاکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی اسلامی - **سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی**
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - **مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی**
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - **رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی**
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - **مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی**
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - **رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی**
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - **زهرا وهبی، آرش رزمی**

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - **محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان**
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - **سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم**
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - **سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا، ندا حقیقی**

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - **علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی**
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - **محمدصادق داریوند**
میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - **صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم**



Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law

جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران

Saeed Asadzadeh

M. Sc. Student of Criminal Law for Children and Adolescents, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Fatemeh Ahadi

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Maragheh, Iran

Mojtaba Kanjori

Master student of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch, Tehran, Iran

سعید اسدزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
s.asadzadeh2022@gmail.com

فاطمه احدی

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، ایران
fatemeh.ahadi1394@gmail.com

مجتبی کنجوری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
mojtabakanjori1373@gmail.com

Abstract

One of the most important ways to find out what the investigating judge or trial judge is facing is to use the information of people who are aware of the criminal process. By attending the crime scene or at the prosecutor's office, the investigating judge obtains information from people who have witnessed the crime or otherwise have information in this regard, and examines the various dimensions of the case. In the meantime, for various reasons, such as self-interest or even fear of the judicial authority, the informed person may provide false information to the judicial authority. Although this title alone is not criminalized in the Islamic Penal Code, disrupting the judicial process is considered one of the crimes against judicial justice, which can naturally be punished and punishable. In the present article, the above issue has been studied using analytical-descriptive method and its various dimensions have been explained. Finally, it is concluded that providing false information to the judicial authority is a act in order to the deviation of proceedings and naturally, this act is criminal and deserves punishment.

Keywords: False Statements, Aware's Information, Aware, Crime Against Judicial Justice.



چکیده

یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای کشف واقعیت که قاضی تحقیق و یا قاضی دادگاه فراروی خود دارد استفاده از اطلاعات اشخاص مطلع از فرایند مجرمانه است. قاضی تحقیق با حضور در صحنه جرم و یا در محل دادرسی از افرادی که شاهد وقوع جرم بوده و یا به نحو دیگری دارای اطلاعاتی در این زمینه هستند کسب اطلاع کرده و ابعاد مختلف پرونده را بررسی می‌نماید. در این میان ممکن است به دلایل مختلفی از جمله وجود نفع شخصی و یا حتی ترس از مقام قضایی فرد مطلع اقدام به ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی نماید. اگرچه صرف این عنوان در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری نشده است اما ایجاد اختلال در فرایند دادرسی به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی به شمار می‌رود که طبیعتاً قابل سزادهی و کیفرپذیری است. در مقاله حاضر موضوع فوق با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد مختلف آن تبیین شده است. نهایتاً چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی عملی است در راستای انحراف دادرسی و طبیعتاً این عمل مجرمانه بوده و مستحق کیفر است.

واژگان کلیدی: استرداد مجرمین، ماهیت، آئین، امکان استرداد، تعدد دولت متقاضی.

Received: 2022/07/19 - Review: 2022/09/11 - Accepted: 2022/11/01

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

ارجاع:
اسدزاده، سعید؛ احدی، فاطمه؛ کنجوری، مجتبی؛ (۱۴۰۱)، جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.
Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

کسب اطلاعات از مطلعان در جریان رسیدگی به پرونده و نیز شهادت یکی از قدیمی‌ترین وسایلی است که تمامی ملل در ادوار تاریخ برای اثبات دعوی به کار می‌برده‌اند. اطلاعات مطلعان در بسیاری از حقوق ملل قدیمه دارای ارزش غیرمحدودی می‌بود و به وسیله آن هر نوع دعوایی را می‌توانستند اثبات نمایند. علت این امر آن است که بسیاری از ملل در ادوار متمادی آشنا به خط نبودند تا در روابط حقوقی خود سند تنظیم نمایند و مللی که دارای خط بودند افراد نادری از آن‌ها از قبیل روسای مذهبی آن را می‌دانستند و می‌توانستند سند تنظیم کنند (امامی، ۱۳۸۳، ۱۹۰). این امر در کنار قابلیت و ارزش اثباتی اطلاعات مطلعان و شهادت در اکثر نظام‌های حقوقی یکی از دلایلی است که اشخاص جهت اثبات این ادعای خویش بدان استناد می‌جویند.

شیوع استفاده از اطلاعات مطلعان در جهت اثبات ادعای خویش بی‌خطر نبوده، منجر به افزایش شهادت و اظهارات کذب نیز شده است. نظام‌های مختلف حقوقی شیوه‌های متفاوتی برای منع افراد از ارائه اخبار خلاف واقع در مراجع قضایی در پیش گرفته‌اند مانند وعده عذاب اخروی دادن به مرتکبین و قائل شدن شرایطی برای شاهد جهت احراز صلاحیت اخلاقی و متهم نبودن شاهد و در نهایت جرم انگاری عمل مذکور را در پیش گرفته‌اند. به عبارت دیگر سعی بر این شده است تا با عدم پذیرش شهادت افرادی که دارای مفسده اخلاقی و نفع شخصی بوده و تأکید بر محوریت ایمان و عدالت از توسل افراد به

اظهارات مطلعان خلاف واقع ممانعت به عمل آید و در نهایت ما در عصر حاضر شاهد این هستیم که در حقوق اکثر کشورها اظهارات مطلعان ارزش اثباتی سابق خود را از دست داده و سعی بر این شده است که از دو شیوه نسبت بدان اقدام گردد: اول این که دیگر مفاد اظهارات مطلعان تحمیل نگردد. ثانیاً: ارزش اثباتی اظهارات مطلعان را در دعاوی بالاخص دعاوی مالی محدود نموده‌اند تا از این طریق از توسل افراد به اظهارات کذب مطلعان جهت اثبات ادعای خویش جلوگیری به عمل آید.^۱

این‌ها همه نشانگر این است که بزه مذکور قدمتی دیرینه داشته و از دیرباز وجدان بشریت را آزرده است. در سیستم حقوقی اکثر نظام‌های حقوقی عمل مذکور جرم انگاری گردیده و در تقسیم‌بندی جرائم حقوق جزا به جزای اختصاص در طبقه جرائم علیه عدالت قضایی به شمار می‌آید. بحث دیگری که در این زمینه مطرح است نتیجه‌ای است که از اظهارات کذب مطلعان نصیب افراد می‌شود که در برخی از موارد منجر به سلب حیات یا قطع عضو به عبارت بهتر تمامیت جسمانی افراد و در برخی از موارد آبروی افراد یا هر دوی آن‌ها مانند جرائم مشمول حد زنا یا لواط گردد یا در نهایت متوجه اموال مشهود علیه باشد. ولی مهم‌ترین نتیجه‌ای که متوجه حاکمیت جامعه است این است که شیوع و گسترده‌بودن این جرم منجر به بدبینی و وهن سیستم قضایی جامعه خواهد بود. در مقاله حاضر ابعاد مختلف موضوع بررسی شده و جوانب آن تبیین می‌گردد.

۱- ماهیت اظهار خلاف واقع مطلع

اظهارات جمع اظهار کردن، تقریرات، بیانات، گفته‌ها و اقوال است. اولین معنا و مفهومی که از شنیدن کلمه اظهارات به ذهن متبادر می‌شود اظهاراتی است که به وسیله زبان بیان می‌گردد (آذرنوش، ۱۳۹۰، ۵۶)، ولیکن اظهارات می‌تواند به شیوه‌های مختلف ارائه گردد. به طور مثال فردی که در جمعی سخنرانی می‌کند، و کیلی که برای دفاع از موکل در جلسه دادگاه حضور می‌یابد و به صورت شفاهی به دفاع می‌پردازد و یا این که به صورت کتبی لایحه ارائه می‌دهد، مجری تلویزیون در برنامه مطالبی بیان می‌کند، کارشناس در مقام کارشناسی نظرش را اعلام می‌کند، اظهارنظر طیب برای مداوا، فروشنده برای فروش

۱- این مطلب مغایر با دیدگاه مورد قبول مقنن در اصلاحات قانون مدنی پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ از به این دلیل که اولاً شورای نگهبان با اعلام خلاف بین شرع بودن ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی اعتبار شهادت را به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا افزایش داد. ثانیاً با حذف ماده ۱۳۰۶ و لغو محدودیت اثباتی شهادت در دعاوی مالی توسل از اصحاب دعوی به این دلیل را گسترش داد که این امر خود می‌تواند یکی از علل افزایش ارتکاب بزه شهادت کذب باشد.

کالا و... نمونه‌هایی از اظهارات است (کریمی و شکوهی زاده، ۱۳۸۸، ۲۱۹).

در رابطه با اطلاعات و اظهارات مطلعان و نیز شهادت و معانی لغوی و اصطلاحی و تعریف آن در لسان حقوقدانان مطالب متعددی بیان ارائه گردیده که نیازی به تکرار آن نیست اما در باب وصف کذب باید بیان داشت که کذب به معنی خلاف واقع است و در قرآن کریم آیه ۱۰۵ سوره مبارکه نحل نیز بدین معنی آمده است^۲ (آشوری، ۱۳۸۳، ۱۲۳). در لغت به وهمی که توأم با عمد است اطلاق می‌شود و نزد اهل سنت آن اخبار از چیزی برخلاف واقع است عمدی باشد یا سهوی یا ناشی از درک غلط و آل اباضیه آن را اخبار عمدی برخلاف واقع تعریف نموده است و برخی دیگر آن را اخبار از چیزی برخلاف واقع به صورت عمدی و با قصد حکایت آن دانسته‌اند (ابوجیب، ۱۴۰۸ ه. ق، ۳۱۶).

فقها اکثراً شهادت کذب را تعریف نکرده و بیشتر با آثار شهادت کذب و رجوع از شهادت پرداختند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ه. ق، ۶۵) ولی بعضی از فقها شهادت کذب را شهادت به باطل به صورت عمدی (ابوجیب، ۱۴۰۸ ه. ق، ۱۶۱) تعریف نموده‌اند. برخی از حقوقدانان نیز اظهارات کذب را این‌گونه تعریف نموده‌اند که اظهارات کذب آن است که شخص پس از ادای سوگند و التزام به حقیقت‌گویی، در مرجع قضایی به عمد نه از روی سهو یا اشتباه، در امر مهم دروغ بگوید (بوشهری، ۱۳۸۷، ۲۹۳).

با توجه به تعریف و مفاهیمی که از واژه کذب ارائه و تعریف اظهارات ارائه گردید، و مدنظر قرارداد ماده ۶۵۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ می‌توان شهادت کذب را اظهارات خلاف واقع شخص ثالث نزد قاضی من بیده الحکم پس از التزام به راستگویی به قصد وارونه جلوه نمودن حقیقت تعریف نمود. از این تعریف برمی‌آید که اولاً: با توجه به لفظ ثالث در تعریف فوق بزه مذکور در توسط طرفین دعوا قابل ارتکاب نیست. بنابراین اقرار و قسم کذب از دایره شمول این تعریف خارج است. ثانیاً این جرم از طریق فعل مثبت یعنی ادای الفاظ قابل ارتکاب است. ثالثاً با توجه به عبارت قاضی من بیده الحکم اظهارات کذب در تمامی نهادهای قضایی غیر از دادگاه از دایره تعریف مزبور خارج است. رابعاً: از عبارت به قصد وارونه جلوه‌دادن حقیقت چنین مستفاد می‌شود که بزه بیان اظهارات کذب از جرائم عمدی است (اردبیلی، ۱۳۸۳، ۷۰). لازم به ذکر است که تعریف فوق که مقتبس از ماده ۶۵۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است جامعیت نداشته و شامل

۲- انما یفتري الکذب الذین لا یؤمنون بآیات الله و اولئک هم الکاذبون. دروغ را فقط کسانی می‌سازند که آیه‌های خدا را باور ندارند و آن‌ها خودشان از دروغ‌گویان‌اند.

مواردی مانند شهادت در دادسرا یا نهادهای اداری و شبه قضایی نمی‌شود که آن هم ناشی از شمول ماده ۶۵۰ به‌عنوان عنصر قانونی بزه شهادت کذب است.

بیان اظهارات کذب توسط مطلعان یکی از قدیمی‌ترین جرائمی است که متوجه عدالت قضایی بوده و نظام‌های حقوقی با آن دست به گریبان بودند و تا به حال نیز با توجه به سپری شدن دوره‌های تمدنی زیاد بشر هنوز به مانند جرائم طبیعی هويت خود را حفظ نموده و این نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت زیاد شهادت در بین سایر ادله اثباتی است (التلاویلا، ۱۳۸۹، ۱۱۲). بدیهی است که یکی از نیازهای اولیه هر جامعه و تمدنی وجود سیستم قضایی است تا از توسل افراد به انتقام جویی شخصی و افراط در مجازات توسط افراد قدرتمند و بالعکس پایمال شدن حقوق اقشار ضعیف جلوگیری به عمل آید. به تبع آن برای فصل خصومت می‌بایست یک سری تمهیدات پیش‌بینی می‌شد، تا افراد بتوانند با توسل به آن‌ها ادعای خود را به اثبات رسانده یا رد نمایند، در این راستا ما شاهد پیدایش ادله‌ای مانند اقرار و سوگند و اوردالی یا داوری ایزدان و شهادت هستیم. تحول مذکور در رابطه با پیدایش ادله اثبات دعوی تبعات منفی نیز به همراه داشته که می‌توان از بیان اظهارات کذب به‌عنوان یکی از این آثار منفی یاد نمود.

برای آن که مفهوم خلاف واقع را بدانیم لازم است که ابتدا مفهوم واقع و واقعیت تبیین گردد. واقعیت اتفاقی است که افتاده یا می‌افتد بدون این که باید یا نباید آن مورد نظر باشد. برای مثال تصادف اتومبیل‌ها، خراب شدن یک خانه و... از جمله واقعیت‌ها هستند بدون این که حقیقت داشته باشند، اما حقیقت این است که یک اتفاق باید بیفتد یا نباید بیفتد مانند این که خدا را باید شناخت و پرستید، قوانین را باید محترم شمرد و رعایت کرد. واقعیت یعنی، اظهاراتی که صحیح باشد و مطابق با واقع باشد مفهوم واقعیت در گذشته بیان گردید. واقعیت اتفاقی است که افتاده یا می‌افتد بدون این که باید یا نباید آن مورد نظر باشد (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ ه. ق، ۴۲۱). به طور مثال فردی ملکی را معامله می‌نماید و پس از آن در محفلی عنوان می‌دارد که من فلان ملک را معامله نموده‌ام این اظهارات مطابق با واقع است، یا این که طیب در مقام طبابت بعد از معاینه بیمار بیماری او را بیان نماید، یا این که کارشناس در مقام کارشناس ارزش روز ملک را بدون کم و کاستی بیان نماید، به عبارتی می‌توان گفت اظهاراتی که دروغ نباشد مطابق با واقع است و این اظهارات در برابر اظهارات خلاف واقع قرار می‌گیرد (بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۷۷).

حقیقت شامل ذات هر چیزی بوده و غیرقابل تغییر است و به همین دلیل برخلاف واقعیت، حقیقت امری است که لزوماً با برهان‌های علمی قابل اثبات نیست. در بسیاری موارد حقیقت به دلیل این که از

دسترس انسان به حیطه ذات به دور است به نوع نگرش افراد بستگی پیدا می‌کند. اگر در ریشه واژگان حقیقت و واقعیت دقیق شویم، تفاوت‌هایی را مشاهده می‌کنیم. ریشه کلمه حقیقت، حق به معنای راستی و درستی است و ریشه کلمه واقعیت، وَقَع به معنای رویدادن و یا اتفاق افتادن است. حقیقت، اشاره به ماهیت راست و درست دارد و واقعیت اشاره به امور عینی و یا اموری که اتفاق می‌افتند (بوشهری، ۱۳۸۷، ۷۵).

در جامعه و عرف در بین مردم غالباً دو واژه واقعیت و حقیقت در یک معنا به کار می‌روند، ما هم در این پژوهش معنای عرفی آن را مدنظر خواهیم داشت. با توضیح مختصری که در این خصوص ارائه گردید می‌توان گفت؛ خلاف واقع به معنی آن است که موضوعی را برخلاف آنچه که رخ داده است یا وجود دارد و یا این که به وقوع پیوسته است و یا حقیقت آن است، بیان گردد. برخلاف واقع دارای سابقه فقهی نیز می‌باشد و در فقه به معنی دروغ آمده است. برخلاف واقع در جایی نمود پیدا می‌کند که فردی در مقام بیان رخدادهای گذشته و یا واقعیت موضوعی، خلاف آن را بیان نماید. به طور مثال کارشناس در بیان ارزش مال مورد کارشناسی ارزش واقعی مال را بیان نکند و ارزشی فراتر از ارزش واقعی را اظهار نماید.

اظهارات خلاف واقع در مقابل اظهارات واقعی قرار می‌گیرند. اظهاراتی که منطبق با واقعیت نیست در اغلب موارد فرد دارای حسن نیت نمی‌باشد. به طور مثال فردی که نسبت به یک ملک معامله ایی نموده است بعد از آن در پاسخ فردی که از او در خصوص معامله ملک سؤال می‌کنند، بیان می‌دارد که من معامله ایی در خصوص این ملک انجام نداده‌ام. غالب اظهارات خلاف واقع سبب بروز خسارت اعم از مادی و معنوی به افراد می‌گردد. اظهارات خلاف واقع می‌تواند به اشکال مختلفی واقع شود، گاهی به صورت کتبی و گاهی به صورت شفاهی صورت می‌گیرد. برخی اوقات از طریق رسانه‌های گروهی از قبیل رادیو و تلویزیون صورت می‌پذیرد و گاهی اوقات به وسیله نطق در مجامع انجام می‌پذیرد. این گونه از اظهارات می‌تواند از سوی افراد با دارا بودن جایگاه‌های متفاوت اجتماعی بیان گردد. به طور مثال یک فرد کارگر هم می‌تواند اظهارات خلاف واقعی داشته باشد هم یک فرد دارای جایگاه اجتماعی و علمی می‌تواند اظهارات خلاف واقع داشته باشد. به طور کل اظهارات خلاف واقع به اظهاراتی گفته می‌شود که خلاف واقعیت موجود یا واقعیت به وقوع پیوسته و یا آنچه حقیقت آن است یا واقعیتی که اتفاق می‌افتد به طریق مختلف اعم از کتبی یا شفاهی با استفاده از رادیو و تلویزیون یا کتابت و یا استفاده از فضای سایبری و... نسبت به هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی بیان گردد (پوت و این و سامونز، ۱۳۸۶، ۹۶).

۲- قلمرو اظهارات خلاف واقع مطلع

۲-۱- اظهارات کتبی

به اظهاراتی گفته می‌شود که به صورت کتبی صورت گیرد. در تعریف این نوع از اظهارات آمده است؛ اظهارات تحریری بیانات و تقریراتی است که نوشته شده باشند و برخلاف اظهارات زبانی است مانند این که از طریق روزنامه یا کتابت صورت گیرد یا این که از طریق فرستادن نامه باشد. در جهان امروز با پیشرفت‌های روزافزون تکنولوژی، به نظر می‌رسد بتوان ارسال مطالب از طریق پیامک، ایمیل یا درج مطلب در سایت‌ها را نیز کتبی دانست. به طور کلی می‌توان بیان داشت، هرگونه اظهاری که، به صورت نوشتن باشد، اظهار کتبی می‌باشد. به موجب ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در صورتی که اقرار در یک سند عادی یا رسمی که به دادگاه تقدیم می‌شود، یا در دفتر تجاری (ماده ۱۲۸۱ قانون مدنی)^۳ به عمل آمده باشد اقرار کتبی خارج از دادگاه محسوب می‌شود (زراعت، ۱۳۸۸، ۱۶). نتیجه این که اظهاراتی کتبی می‌باشد که از طریق کتابت و نوشتن صورت بگیرد چه در کتاب، لایحه دفاعیه‌ای که وکیل برای دفاع از موکل به دادگاه تقدیم می‌کند، از طریق ارسال پیامک و.. و برخلاف اظهارات شفاهی است.

۲-۲- اظهارات شفاهی

به اظهاراتی که کتبی نباشد و به صورت نطق یا اعلام مطالب با استفاده از بیان باشد اظهارات شفاهی گفته می‌شود. اظهارات شفاهی می‌تواند به صورت نطق در یک مجلس یا جمعی باشد. میزان جمعیت مهم نمی‌باشد، آنچه ضرورت دارد این است که از بیان برای اعلام اظهارات صورت گیرد، مانند این که شخصی در برنامه تلویزیونی یا رادیویی مطلبی را اظهار نماید که این گونه اظهار مطالب می‌تواند اظهارات شفاهی از طریق برنامه رادیویی و تلویزیونی باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ۷۵). در برابر این نوع از اظهارات، اظهارات غیرلفظی قرار دارد اظهاراتی که می‌تواند به صورت ایما و اشاره باشد. در ماده ۲۹ قانون مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران مصوب ۱۳۸۷ آمده است: در صورتی که زن یا مرد یا هر دو، کر و یا لال باشند، ایما و اشاره یا اظهارات غیرلفظی که به طور صریح و واضح که به تأیید کارشناس برسد، مؤید قصد و رضای آن‌ها در امر ازدواج باشد، برای انجام مراسم عقد کافی خواهد بود (جوانمرد، ۱۳۸۹، ۳۲۰).

۳- ماده ۱۲۸۱: قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است.

۳-۲- اظهارات تخصصی

به افرادی که در یک مقوله خاص دارای تجربه و مهارت باشند و در خصوص زمینه کاری خود اطلاعات علمی و تجربی لازم را داشته باشند، متخصص گفته می‌شود. چنانچه فردی که دارای تخصص لازم در زمینه کاری خود باشد و با توجه به تخصص خود، در یک زمینه اظهارنظری نماید به این اظهارات، اظهارات تخصصی گفته می‌شود. به بیان دیگر اظهاراتی که دارای یک پشتوانه علمی باشد اظهارات از روی تخصص گفته می‌شود. غالب افراد این اظهارات را با توجه به تخصص شخص، از او قابل قبول می‌دانند. به طور مثال؛ وقتی پزشک متخصص راجع به یک بیمار با توجه به تخصص خود اظهار می‌نماید، یا در جایی که وکیل دادگستری با توجه به تخصص خود مشاوره ای می‌دهد، مرتکب اظهارات تخصصی شده‌اند. مثال دیگری که در این مورد می‌توان بیان نمود؛ اظهارات کارشناسان می‌باشد. کارشناسان با توجه به تخصصی که دارند همیشه اظهارات آن‌ها در مقام کارشناسی در این دسته قرار می‌گیرد. اظهارات تخصصی هم به صورت کتبی و هم شفاهی می‌تواند بیان گردد.

۴-۲- اظهارات غیر تخصصی

اظهارات غیرتخصصی در مقابل اظهارات تخصصی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر چنانچه فردی دارای تخصص در زمینه‌ای نباشد و راجع به موضوعی که در آن تجربه علمی ندارد اظهارنظری نماید به این گونه اظهارنظرها، اظهارات غیرتخصصی گفته می‌شود. اظهاراتی که دارای پشتوانه علمی و تجربی نیست، این گونه اظهارات در غالب اقشار جامعه ملاحظه می‌گردد، به طور مثال فردی دارای یک سابقه بیماری خطرناک با علائم خاصی بوده است چنانچه دوست او نیز دارای همان علائم گردد به طور قاطع می‌گوید تو به بیماری خطرناکی مبتلا شده ای من نیز این بیماری را داشته ام، یا این که فردی که اطلاعی از مسائل حقوقی ندارد اقدام به مشاوره حقوقی نماید. این اظهاراتی که بدون هیچ گونه تبحری در خصوص موضوع ارائه می‌گردد، غالباً منجر به بروز خسارت به افراد نمی‌گردد اما در برخی مواقع سبب بروز خسارت به افراد می‌گردد. در مثالی که اخیراً ذکر گردید نمونه ایی از مواردی است که بروز خسارت برای مخاطب بسیار محتمل است (حجتی و یاری، ۱۳۸۹، ۲۶).

۳- انواع اظهارات خلاف واقع

خلاف واقع بودن اظهارات در گذشته به صورت مختصر و مفید بیان گردید در ادامه در این مبحث در

چهار گفتار به بررسی و بیان انواع اظهارات خلاف واقع خواهیم پرداخت.

۱-۳- اظهارات خلاف واقع مبتنی بر علم به خلاف واقع بودن آن از سوی گوینده

در برخی از موارد که فرد اظهاراتی دارد نسبت به خلاف واقع بودن آن اطلاعی ندارد. ولی غالباً افراد در اظهارات خلاف واقعی که دارند نسبت به خلاف واقع بودن آن علم دارند و با توجه به آن، اظهارات را بیان می‌دارند. مانند این که شاهدی در جلسه دادگاه حضور می‌یابد و با توجه به این که می‌داند طرف مقابل ذیحقی است، اما در بیان اظهارات خود مطالبی را اعلام می‌دارد که خلاف واقع است (دیانی، ۱۳۸۹، ۴۵). یا این که وکیل دادگستری علیرغم این که می‌داند موکلش حقی ندارد، در جلسه دادگاه اظهارات خلاف واقعی دارد که منطبق با واقعیت اتفاق افتاده در رابطه با اطراف پرونده نیست. گاهی اوقات شخص ملک دیگری را با عنوان ملک خود به فروش می‌رساند که علاوه بر این که دارای مسئولیت کیفری است دارای مسئولیت مدنی نیز می‌باشد که این عمل معرفی نمودن ملک دیگری به عنوان ملک خود، اظهار خلاف واقع است. نتیجه این که اظهارات خلاف واقع، با علم به آن، اظهاراتی است که گوینده آن توجهی به واقعیت موجود علیرغم این که به آن علم دارد ندارد و بدون توجه به آن اظهاراتی برخلاف آن دارد.

۲-۳- اظهارات خلاف واقع مبتنی بر جهل به خلاف واقع بودن آن از سوی گوینده

در برخی از موارد فرد در اظهاراتی که دارد نسبت به خلاف واقع بودن آن اطلاعی ندارد. در این خصوص می‌توان قائل به تفکیک بود و این نوع از اظهارات خلاف واقع را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ صورت اول فرد با توجه به تخصصی که دارد نسبت به موضوع اظهار نظر می‌نماید و به تصور خود نظرش مطابق با واقع است. ولیکن فرد در اظهاری که داشته دچار اشتباه شده است (فرویدی نیا، ۱۳۸۱، ۷۷)، به طور مثال داروسازی دارویی را برای یک بیماری کشف می‌نماید و ادعا می‌کند که این دارو برای این بیماری مفید است، ولی پس از مصرف بیماران درمان نشده‌اند و دارای عوارض دیگر می‌گردند. دسته دوم فرد مطالبی را از یک منبع دیگر نقل می‌نماید ولیکن اصل موضوع خلاف واقع بوده است و گوینده نسبت به آن اطلاعی نداشته است با این حال این مطالب را بیان نموده است. مانند این که وکیل دادگستری از جانب موکل مطالبی را بیان می‌نماید که خلاف واقع می‌باشد ولیکن وکیل نسبت به خلاف واقع بودن آن اطلاعی نداشته باشد (شکری و سیروس، ۱۳۸۵، ۷۹).

۳-۳- اظهارات خلاف واقع مبتنی بر آگاهی مخاطب نسبت به خلاف واقع بودن آن

غالب موارد در اظهارات خلاف واقع، مخاطب از خلاف واقع بودن آن اطلاعی ندارد. اما مواردی نیز هست که مخاطب اطلاع کامل از خلاف واقع بودن آن دارد و با این وجود با توجه به آن اظهارات اقداماتی را انجام می‌دهد. این نحو عمل کردن به ضرر خود در فقه تحت عنوان قاعده بیان گردیده است. به طور مثال فردی با توجه به این که می‌داند استفاده از نوع خاصی از سم دفع آفت، سبب از بین رفتن محصول کشاورزی او می‌گردد، با این حال وقتی فردی دیگر به او بگوید که این نوع سم، خطری برای محصولات ندارد از سم برای دفع آفت استفاده نماید و این موضوع سبب از بین رفتن محصولات او گردد (فیض، ۱۳۹۱، ۳۲۰).

۴- سابقه جرم انگاری اظهارات خلاف واقع

اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نسبت به جرم انگاری بیان اظهارات خلاف واقع و شهادت کذب اقدام گردید. عنصر قانونی بزه موصوف مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ قانون فوق الذکر بود. از ویژگی‌های آن تفکیک قائل شدن بین امور حقوقی، کیفری و اداری، تعیین میزان مجازات با توجه به نوع مشهود به جنایت، جنحه و خلافی و تأثیر آن در حکم دادگاه بود. با این حال بارزترین موضوع مذکور در این قانون توجه به انگیزه مادی شاهد در بیان اظهارات خلاف واقع و ادای شهادت کذب است که در مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ از موارد تشدید مجازات محسوب می‌گردید.

پس از انقلاب اسلامی و نظر به اراده حاکم بر اسلامی ساختن قوانین نظام حقوقی ایران شاهد تصویب قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۱ بود. در قانون مذکور هیچ اشاره‌ای به جرم بودن بیان اظهارات خلاف واقع نشده بود که همین امر موجب اختلاف نظر در بین حقوقدانان گشت. گروهی با این استدلال که با تصویب قانون تعزیرات، قانون مجازات عمومی منسوخ شده است؛ بر این نظر بودند که عمل مذکور جرم نیست. آنچه می‌توانست مؤید نظر فوق باشد از بین رفتن تقسیم‌بندی جرائم به جنایت، جنحه و خلاف است که مبنای تعیین مجازات اظهارات دروغ بود (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۹۸).

گروهی دیگر با این استدلال که قانون تعزیرات صرفاً بخشی از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ را که مغایرت صریح یا ضمنی با آن داشته نسخ نموده و چون هیچ ماده‌ای در قانون تعزیرات و قانون راجع به مجازات اسلامی در خصوص عمل بیان اظهارات خلاف واقع و شهادت کذب گنجانده نشده است، مواد موصوف به قوت خود باقی هستند. النهایه باید در تقسیم‌بندی جرائم مواد مذکور را با مجازات‌های

حدود و قصاص و دیات تطبیق داد که معیار آن میزان مجازات است. بنابراین معتقد بودند که مواد ۲۱۵ الی ۲۱۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نسخ نگردیده است. وجود این اختلاف نظرها باعث شد که اداره حقوقی دادگستری در نظریه مشورتی شماره ۸۴۴۴۱/۷ مورخه ۱۳۶۵/۰۴/۲۲ اظهار نظر نماید.^۴

۵- عناصر جرم بیان اظهارات خلاف واقع

همان‌طور که می‌دانیم هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای محکوم‌شدن متهم به ارتکاب جرم باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود. بنابراین در صورت تزلزل هریک از عناصر مذکور نمی‌توان مرتکب را تحت تعقیب قرار داد.

۱-۵- عنصر قانونی

فعل یا ترک فعل انسان هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان بخش باشد تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش‌بینی نشده باشد، قابل مجازات نیست. به بیان دیگر تا زمانی که قانون‌گذار فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین نکند افعال انسان مباح است (اردبیلی، ۱۳۸۳، ۱۲۶). بنابراین اصلی‌ترین عنصر از عناصر سه گانه بزه، عنصر قانونی است که در آن مقنن نسبت به جرم انگاری فعل و پیش‌بینی سایر عناصر تشکیل‌دهنده اقدام می‌نماید. به همین دلیل برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «عنصر قانونی را نباید به‌عنوان یک عنصر مجزا مورد بررسی قرار داد؛ عنصر قانونی در واقع پرتوی از اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات و زیربنای عناصر مادی و روانی است به عبارت دیگر عنصر قانونی هم عرض عناصر مادی و روانی نیست تا در کنار آن‌ها و همسنگ با آن‌ها مورد بحث قرار گیرد بلکه هم عنصر مادی و هم عنصر روانی مبتنی بر قانون هستند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، ۵۳).
در ماده ۳۴۴^۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ اظهارات خلاف جرم انگاری شده است.

۴- چون مواد ۲۱۵ الی ۲۱۹ قانون مجازات عمومی صراحت و ضمناً به موجب قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین اخیر التصویب نسخ نشده و از طرف شورای نگهبان نیز بی‌اعتباری و مخالفت این مواد با شرع اعلام نگردیده است و با فتوای حضرت امام مخالفت صریح ندارد بنابراین در خصوص مورد به قوت خود باقی است.

۵- ماده ۳۴۴: هریک از افسران و هم‌ردیفان آن‌ها و سایر نظامیان و یا کارمندان و خدمتگزاران دوایر و قسمت‌های ارتش گزارشی برخلاف حقیقت به مقام مافوق تقدیم نماید و یا جریاناتی را مستور داشته و به اطلاع مقام مافوق نرساند و یا حقایق را پرده‌پوشی کرده و گزارش آن را با تغییر ماهیت قضیه به مقام مافوق تقدیم کند و یا سعی نماید که حقایق به طور ناقص به اطلاع مافوق برسد

علاوه بر این به عنوان جرمی مشابه قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۵۰^۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ عنصر قانونی بزه شهادت کذب را بیان کرده است.

۲-۵- عنصر مادی

برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر بر وجدان‌ها است و هرگونه پندار زشت و ناپسند را محکوم می‌کند، حقوق جزا متضمن اصولی است که حاکم بر رفتار انسان‌ها و توأم با تضمین‌هایی است که حافظ جامعه بشری است. حقوق جزا پندار نکوهیده را تا زمانی که به منصفه ظهور نرسیده به مجازات نمی‌رساند. از آنچه گفته شد چنین بر می‌آید که قصد باطنی زمانی قابل مجازات است که تظاهر خارجی آن به صورت عملی مغایر با اوامر و نواهی قانون‌گذار آشکار شود (اردبیلی، ۱۳۸۳، ۲۰۸). به عبارت بهتر تا وقتی قصد مجرمانه فرد با عمل مادی توأم نگردد، نمی‌توان وی را تحت تعقیب قرار داد. عنصر مادی جرم گناه رفتاری است که در وضع خاص از انسان بروز می‌کند و گناه به ندرت حالتی است که بر او مستولی می‌شود. در سده‌های گذشته اروپائیان از آن تحت عنوان پیکره جرم نام می‌بردند. رفتار ممکن است به صورت‌های مختلف فعل، ترک فعل، و فعل ناشی از ترک فعل باشد (اردبیلی، ۱۳۸۳، ۲۱۰).

در مبحث حاضر عناصر مادی جرم شهادت کذب را تحت سه عنوان رفتار فیزیکی، مجموعه شرایط و اوضاع و احوال ضروری جرم که وجود یا عدم وجود آن از نظر قانون شرط تحقق جرم است و نتیجه حاصله از رفتار متهم مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

رفتار فیزیکی ممکن است به صور گوناگون متعلق حکم جزایی قرار گیرد که بستگی تام به نوع جرم دارد که عبارتند از: فعل مثبت مانند سرقت (موضوع ماده ۶۵۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵) یا ترک فعل مانند خودداری از کمک به مصدومین (قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴) یا استنکاف از احقاق حق (ماده ۵۹۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵) یا فعل ناشی از ترک فعل (که شخص توانایی جلوگیری از وقوع حادثه را دارد و به علت عدم اقدام وی جرم به وقوع می‌پیوندد). البته به نظر برخی از

همچنین افراد امنیه و سایر نظامیان که بدون مدرک و دلیل از لحاظ اخذی و سوءاستفاده و یا اغراض دیگر اشخاص بی‌گناه را تحت تعقیب قرار داده و برای آن‌ها پرونده‌سازی نمایند مطابق مواد پایین محکوم خواهند شد.

۶- ماده ۶۵۰: هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

حقوقدانان مصداقی در قوانین ایران برای آن وجود ندارد. جرم بیان اظهارات خلاف واقع نیز مانند اکثر جرائم، به شکل مثبت یعنی با فعل ارتکاب می‌یابد و ترک فعل حتی اگر توأم با سوءنیت باشد تحت عنوان شهادت کذب قابل تعقیب نیست. برای مثال چنانچه شخصی شاهد ارتکاب فعل مجرمانه بوده و جهت مساعدت به متهم از اعلام جرم به مقامات ذیربط و یا ادای شهادت در نزد مراجع مربوطه امتناع کند، تحت عنوان شهادت کذب قابل تعقیب نیست؛ زیرا مقنن در ماده ۶۵۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ تنها ادای شهادت یعنی ارتکاب فعل مثبت را جرم انگاری نموده است.

منظور از کذب بودن اظهارات ادا شده این است که شاهد حقیقت را به ضرر یکی از طرفین قلب نماید، اعم از این که طرف دعوی اشخاصی ذینفع مانند شاکی و خواهان یا دادستان و سایر نهادهای عمومی باشند، به دیگر سخن شاهد با اظهارات خویش سعی در وارونه جلوه دادن مشهود به داشته باشد. ذکر این مطلب نیز ضروری به نظر می‌رسد که قلب حقیقت باید به واسطه اظهارات شاهد رخ داده باشد نه عدم بیان موضوع. به دیگر سخن در صورتی که شاهد حقایق را به نحوی بیان نماید که دروغ نبوده ولی به علت این که تمام حقیقت را نگفته و مشهود به وارونه جلوه داده شود و موضوع در نظر دادگاه مشتبه گردد نمی‌توان مدعی ارتکاب بزه شهادت کذب شد. برای نمونه شخصی شاهد درگیری بین دو نفر بوده که در آن «الف» با چاقو به سمت «ب» حمله کرده و «ب» در مقام دفاع از خود اقدام به ضرب و جرح حمله‌کننده نموده است. با این حال شاهد در دادگاه حضور یافته و صرفاً در خصوص ایراد ضرب و جرح «الف» توسط «ب» اظهار نموده و مطالبی در خصوص حمله اولیه مجروح بیان نکرده که اظهارات وی منجر به محکومیت و رد دفاعیات متهم در استناد به دفاع مشروع شده است. در این زمینه باید اذعان نمود هر چند در زمان ادای توضیحات مطلع التزام خود را از طریق اتیان سوگند به راستگویی و بیان تمامی حقایق اعلام می‌کند، ولی زمانی وارونه جلوه دادن حقیقت توسط شاهد جرم و قابل تعقیب تحت عنوان اظهارات کذب است که قلب حقیقت به علت دروغ بودن اظهارات شاهد صورت گرفته باشد، نه به عدم بیان حقایق؛ زیرا بزه بیان اظهارات کذب از طریق فعل محقق می‌گردد نه ترک فعل.

پس با این توضیحات عدم بیان تمام ماوقع توسط شاهد حتی اگر توأم با سوءنیت شاهد بوده و منجر به قلب حقیقت گردد، تحت عنوان شهادت کذب قابل تعقیب نیست. ذکر این مطلب به جا است که هر چند شاهد برخلاف سوگند خویش اقدام نموده ولی عمل وی را نمی‌توان مشمول ماده ۶۴۹^۷ کتاب پنجم قانون

۷- ماده ۶۴۹: هر کس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس

مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ دانست.

برخی از حقوقدانان معتقدند که اظهارات خلاف واقع باید در امور مهم باشد و در خصوص امر مهم بیان می‌دارند: امر مهم نسبی است؛ گفته‌ای که در یک دعوا مهم است در دعوی دیگر ممکن است چنان نباشد. ملاک در تشخیص «امر مهم» این است که آن گفته در رای دادگاه مؤثر افتد و دلیلش این است که اگر گفته‌ای در تصمیم دادگاه اثری نداشته، یا با موضوع دعوا بی‌ارتباط بوده، یا احتمال نتیجه بر آن نمی‌رفته، چه راست و چه دروغ، اعم از این که گوینده به دروغ بودن آن آگاه بوده یا نه، مشمول تعهد ناشی از سوگند نیست، تا تخلف از آن مستوجب مجازات باشد. متهمی که پس از ادای سوگند، با داشتن سابقه محرومیت کیفری، خود را بدون سابقه معرفی کند چون دروغ او در تصمیم دادگاه و میزان مجازات وی مؤثر می‌افتد، مستحق کیفر است (بوشهری، ۱۳۸۷، ۲۹۵).

با توجه به نظر فوق می‌توان اظهارات شاهد را به دو بخش مهم و غیرمهم تفکیک کرد و تمیز آن هم به عهده دادرس دادگاه است که امری را مهم یا غیرمهم تشخیص دهد. مثال به کار گرفته شده توسط نویسنده محترم این شائبه را در ذهن ایجاد می‌کند که این امر شامل مشهود به نمی‌شود و التزام شاهد به راستگویی را می‌بایست به مواردی مانند رابطه خادم و مخدومی و سوابق کیفری و تمامی موارد جرح، تسری داد و در صورت دروغ بودن اظهارات شاهد در آن موارد وی را تحت تعقیب قرار داد.

در تحلیل موضوع اول باید گفت اولاً: مقنن چنین تمیزی را برای شمول ماده ۶۵۰ قائل نشده و ماده مذکور در این زمینه اطلاق دارد. در صورتی که اظهارات شاهد خلاف واقع باشد با احراز سایر شرایط می‌توان وی را تحت عنوان شهادت کذب تحت تعقیب قرار داد؛ ضمن این که جهت تمیز امور به مهم و غیرمهم معیار و سنجشی لازم است و نمی‌توان صرفاً به تشخیص قضات اکتفا نمود و الا اعتماد صرف به تشخیص قضات منجر به ایجاد رویه‌های متفاوت و در نتیجه رهایی افرادی خواهد بود که با شهادت کذب سعی در انحراف دادرسی از مسیر عادلانه و بی‌طرفانه دارند (کریمی، ۱۳۸۸، ۶۶). اما در ارتباط با مثالی که نگارنده فوق جهت توضیح مطلب بیان نموده، باید منظور استاد محترم از مطالب خلاف واقع (که وارونه جلوه‌دادن مشهود به بوده یا هر مطلبی در شهادت و ارزیابی آن مؤثر است) مورد مذاقه قرار داد (کاشانی، ۱۳۸۳، ۲۲۸).

تبیین مطلب فوق در گرو این موضوع است که نگاهی به قوانین شکلی در رابطه با نحوه اخذ اظهارات

مطلع داشته باشیم، بدین شرح که مواردی مانند هویت مطلع، سوابق کیفری یا رابطه خادم و مخدومی قبل یا بعد از بیان اظهارات و التزام به راستگویی از وی اخذ می‌گردد. در قانون آئین دادرسی کیفری مطلبی در این خصوص بیان نشده، اما در ماده ۲۳۶ قانون آئین دادرسی مدنی مقنن متعرض تشریفات مذکور شده است.^۸ طبیعتاً می‌توان حداقلی از الزام ماده مذکور را برای اظهارات خلاف واقع مادون شهادت نیز مفروض داشت. با توجه به صراحت ماده مذکور مبنی بر این که مطالب بیان شده در خصوص هویت و شغل و... جزء مفاد شهادت محسوب نمی‌شود، بنابراین حتی اگر اظهارات شاهد در خصوص هویت، سوابق کیفری، رابطه خادم و مخدومی وی برخلاف واقع باشد نمی‌توان آن را اظهارات کذب تلقی نمود. همچنین طبق ماده فوق‌الذکر این اطلاعات قبل از اتیان سوگند از شاهد استماع می‌گردد و یکی از شرایط ارتکاب بزه شهادت کذب التزام به راستگویی از طریق اتیان سوگند است، حتی در صورتی که در این زمینه قائل به صحت نظر فوق باشیم، با توجه به عدم اتیان سوگند جرم مذکور تحقق نیافته است. به نظر می‌رسد حداقلی از الزام این ماده را می‌توان در بیان اظهارات مطلعان در نظر گرفته و اجرایی نمود.

۳-۵- جرم انگاری بر مبنای نظم عمومی

یکی از مبانی قانونی که براساس آن می‌توان اظهارات خلاف واقع متهم را علیرغم فقدان عنصر قانونی واضح مجرمانه دانست مبنای نظم عمومی است. یکی از نقاط ضعف حقوق کیفری ایران، فقر مباحث و مطالعات بنیادین است؛ یعنی برخلاف مطالعات توصیفی و فنی مبتنی بر بررسی تکنیکال حقوق کیفری که حجم بزرگی از ادبیات حقوق کیفری ایران را به خود اختصاص داده است؛ در زمینه مطالعات بنیادین، آثار قابل توجه و چشمگیری توسط پژوهشگران عرصه حقوق پدید نیامده است. در واقع در حالی که کشور ما در عرصه جرم انگاری و اجرای مجازات‌های خشن و بی‌امان رکورد دار بوده و زرادخانه بزرگی از قوانین کیفری را در عرصه‌های مختلف به وجود آورده است، لیکن در زمینه توسعه غنای مطالعات کیفی بنیادین که اساس نظام کیفری هر کشور را با جهت‌دهی به سیاست جنایی آن تشکیل می‌دهد توفیق چندانی حاصل نکرده است. شاید یکی از علل غنای زرادخانه کیفری جامعه ایران نیز همین امر باشد؛ زیرا گفته می‌شود که بین غنای مباحث و مطالعات بنیادین و غنای زرادخانه کیفری هر کشوری رابطه‌ای

۸- ماده ۲۳۶: قبل از ادای گواهی، دادگاه حرمت گواهی کذب و مسئولیت مدنی آن و مجازاتی که برای آن مقرر شده است را به گواه خاطر نشان می‌سازد. گواهان قبل از ادای گواهی نام و نام خانوادگی، شغل، سن و محل اقامت خود را اظهار و سوگند یاد می‌کنند که تمام حقیقت را گفته و غیر از حقیقت چیزی اظهار ننمایند.

معکوس برقرار است، بدین ترتیب که هر چقدر مباحث و مطالعات بنیادین حقوق کیفری از غنای بیشتری برخوردار باشد نتیجتاً از غنای زرادخانه کیفری کاسته خواهد شد و بر عکس هر مقدار که مطالعات بنیادین فقیرتر و نحیف‌تر باشد بر غنای زرادخانه کیفری افزوده خواهد شد.

تأمین آسایش عمومی یکی از وظایف اصلی و اساسی دولت‌ها است. در واقع دولت باید بتواند با استقرار نظم و امنیت کامل در جامعه، امکان بهره‌مندی همگان از آسایش عمومی را فراهم نماید؛ در غیر این صورت چنین دولتی، فاقد مؤلفه‌ها و ویژگی‌های یک دولت مطلوب و مقبول عموم خواهد بود. اصطلاح «آسایش عمومی» علیرغم کاربست گسترده در حقوق کیفری، هیچ‌گاه مورد تعریف قانون‌گذار و حقوقدانان کیفری قرار نگرفته است و در رویه قضایی نیز تعریف مشخصی از آن به چشم نمی‌خورد (Bassiouni, 2016, 65). با این حال می‌توان آسایش عمومی را به معنی فقدان هرگونه آزار و ناراحتی در جامعه دانست که از حدود متعارف و عادی زندگی اجتماعی خارج باشد (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۸۴) به نحوی که شهروندان بتوانند بدون دغدغه در رابطه با امنیت و حقوق اساسی خویش، به راحتی در امور جاری خویش تصمیم‌گیری و بدون هیچ رادع و مانعی، به زندگی عادی و روزمره خویش پردازند. در واقع آسایش عمومی وقتی برقرار است که، مردم در تعاملات روزمره خویش با یکدیگر دچار دغدغه خاطر و احساس عدم امنیت نبوده و بتوانند به راحتی و بدون هیچ اشکال و خللی، در آرامش خیال زندگی کنند (Gunther, 2019, 112). چنین شرایطی فراهم نمی‌شود مگر در سایه وجود نظم و امنیت که وظیفه تأمین آن با حاکمیت و دولت به معنای اعم است. در واقع مادامی که نظم عمومی در جامعه برقرار نباشد و مردم احساس امنیت کافی نداشته باشند؛ نمی‌توان آسایش عمومی را در جامعه برقرار دانست.

به عقیده نگارندگان، آسایش عمومی، نتیجه برقراری و استقرار نظم عمومی در جامعه است و آسایش عمومی و نظم عمومی نمی‌توانند مترادف و دارای رابطه این‌همانی با هم باشد. در واقع، مادامی که در جامعه‌ای نظم و امنیت برقرار نبوده و مردمی که در کنار هم زندگی می‌کنند، در حدود اقتضانات آن جامعه احساس آرامش و امنیت کافی نکنند؛ طبعاً آسایش عمومی نیز در آن جامعه محقق نخواهد شد و لذا تردیدی وجود ندارد که نظم عمومی در رابطه و تعامل با آسایش عمومی؛ مقدمه لازم تحقق آسایش عمومی است و چنانچه نظمی در جامعه برقرار نباشد؛ نتیجتاً آسایشی نیز در کار نخواهد بود.

ناگفته نماند که از زاویه حقوق کیفری، ارتکاب جرم ضمن آن که ناقض نظم عمومی است، طبعاً به لحاظ ایجاد احساس عدم امنیت در جامعه، سلب آسایش عمومی را نیز در پی دارد؛ لیکن این به معنای آن

نیست که این دو مؤلفه دارای معنای یکسان و مترادف با یکدیگرند (Ehrlich, 2018, 23). از آن جا که ارائه اطلاعات ناقص یا خلاف واقع توسط مطلع به نهاد و مرجع قضایی سبب دشوار شدن فرایند کشف جرم و نیز اطاله دادرسی می‌گردد می‌توان آن را مصداقی از اخلال در نظم عمومی به شمار آورده و از این منظر انجام این عمل را بر همین مبنا مجرمانه تشخیص داد.

نتیجه

با توجه به این که به موضوع مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از اظهارات خلاف واقع به صورت جداگانه توسط نویسندگان حقوقی پرداخته نشده است به نظر می‌رسد که این موضوع می‌تواند مورد بررسی بیشتری قرار گیرد و لازم است نویسندگان و اساتید حقوقی در خصوص این موضوع نظراتی را ارائه نمایند. با بررسی بر روی موضوع مسئولیت کیفری ناشی از اظهارات خلاف واقع، نتایج حائز اهمیتی به دست آمده که می‌تواند به شرح ذیل دسته‌بندی گردد. غالب اظهارات خلاف واقع سبب بروز خسارت اعم از مادی و معنوی به افراد می‌گردد و ممکن است سبب انحراف ذهن مقام قضایی و اختلاف در پروسه رسیدگی شود.

در مورد جبران خسارت برای این که خسارتی که از اظهارات خلاف واقع به افراد وارد می‌شود قابل مطالبه باشد باید ارکان مسئولیت مدنی که عبارتند از: رابطه سببیت، فعل زیان بار و وجود ضرر محقق گردد. در غیر این صورت خسارت قابل مطالبه نمی‌باشد. در خصوص چگونگی مطالبه خسارات وارده ناشی از این نوع از مسئولیت مدنی تأسیس قواعد جدید حقوقی ضرورت ندارد بلکه می‌توان با توجه به قواعد تسبیب که در حقوق ما بیان گردیده است خسارات را مطالبه نمود.

در جریان رسیدگی به بروز جرایم مقام قضایی به اخذ توضیح و بیان اظهارات مطلعان اتکا کرده و سعی می‌نماید تا حد ممکن از اشخاص مطلع از فرایند مورد رسیدگی کسب اطلاع نماید تا ابعاد بیشتری از موضوع تبیین گردد. در این راستا ممکن است به دلایل مختلف اشخاصی که در دادگاه یا دادسرا حاضر می‌شوند علیرغم داشتن اطلاع از واقعه اقدام به ارائه عمدی اطلاعات غیرواقعی نمایند. این عمل می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله وجود نفع شخصی، ترحم نسبت به فرد مجرم در صورتی که وی از بستگان یا نزدیکان مطلع باشد، ترس از مقام قضایی و فرایند دادرسی کیفری و... باشد.

در متون قانونی ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی عموماً به طور غیرمستقیم جرم انگاری شده است. اگرچه در قانون مجازات اسلامی صرف این عمل با این عنوان مجرمانه جرم انگاری نشده است اما جرم مشابهی همچون شهادت کذب در قانون مذکور وجود دارد که به نظر می‌رسد می‌توان حداقلی از

مجازات ماده ۶۵۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در رابطه با شهادت کذب را در بزه ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی به منصفه اجرا گذاشت. علاوه بر متون قانونی فوق از آن جا که ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی می‌تواند سبب انحراف ذهن مقام قضایی شود این عمل خلاف نظم عمومی می‌باشد، صرف این عمل، مجرمانه بوده و بایستی در راستای حراست از فرایند مقدس دادرسی و نیز مقام و شان دادرسی یا قضایی تحقیق اراده اطلاعات غلط و کذب قابل سزادهی باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۹۰، **فرهنگ معاصر عربی فارسی**، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات نی.
- آشوری، محمد، ۱۳۸۳، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۳، **حقوق جزای عمومی**، جلدهای اول و دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.
- امامی، سیدحسن، ۱۳۸۳، **حقوق مدنی**، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- التلاویلا، آنریکو، ۱۳۸۹، **روان‌شناسی قضایی**، مترجم دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجلد.
- بوشهری، جعفر، ۱۳۸۷، **حقوق جزا (اصول و مسائل)**، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- پوت واین، دیوید و سامونز، آیدن، ۱۳۸۶، **روان‌شناسی و جرم**، مترجم، داود نجفی توانا، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۳، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جوانمرد، بهروز، ۱۳۸۹، **فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی.

- حجتی، سیدمهدی و یاری، مجتبی، ۱۳۸۹، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادستان.

- دیانی، عبدالرسول، ۱۳۸۹، **ادله اثبات در امور مدنی و کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- زراعت، عباس، ۱۳۱۸، **آیین دادرسی مدنی**، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری دانش پذیر.

- شکری، رضا و سیروس، قادر، ۱۳۸۵، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مهاجر.

- فرهودی نیا، حسن، ۱۳۸۱، **جرائم ناقص (بررسی تطبیقی)**، چاپ اول، تبریز، انتشارات فروزش.

- فیض، علیرضا، ۱۳۹۱، **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام**، چاپ ششم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.

- کاشانی، سیدمحمود، ۱۳۸۳، **استانداردهای جهانی دادگستری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- کریمی، عباس و شکوهی زاده، رضا، ۱۳۸۸، **قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات و استثنائات آن در نظام کامن لا با نگاهی تطبیقی به حقوق ایران**، **فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۱.

- کریمی، عباس، ۱۳۸۸، **ادله اثبات دعوا**، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۳، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان.

- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۶ه. ق، **قواعد فقه**، جلد سوم، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۸۹، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان.

عربی

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن أحمد، ۱۴۰۱ه. ق، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵ه. ق، **القضاء و الشهادات (لشیخ الأنصاری)**، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، قم.

- ابو جیب سعدی، ۱۴۰۸ه. ق، **القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا**، چاپ دوم، دمشق، دارالفکر.

- بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ه. ق، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة**

الطاهرة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

لاتین

- Bassiouni, M. C, 2016, International Crimes: Jus Cogens and Obligation Erga Omnes Law and Contemporary Problems, EJIL, Vol. 59.
- Gunther, Jaenicke, 2019, International public order, Encyclopedia of Public International Law, Vol. 7.
- Ehrlich E, 2018, Fundamental Principles of the Sociology of Law, New Brunswick: Transaction Publications.

قوانین

- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴
- قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸
- قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴
- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵
- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران مصوب ۱۳۸۷
- نظریه مشورتی شماره ۸۴۴۴۱/۷ مورخه ۱۳۶۵/۰۴/۲۲

- Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - [Roshan Ali Shekari](#), [Sayyed Mostafa Milani](#)
- Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - [Adel Sarikhani](#), [Mostafa Karami Pour](#)
- Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - [Ebrahim Musazadeh](#), [Mohammad Salehi](#)
- Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - [Mohammad Ali Hajidehabadi](#), [Ruhollah Shamshiri](#)
- Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Hamidreza Norozian](#), [Arefeh Kordi Nasab](#), [Nafiseh Tosi](#), [Ayda GHasem Zadeh](#)
- The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - [Mahnaz Khorsandi](#), [Asgar Jalalian](#)
- Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Maryam Faraji Tark](#)
- The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - [Hasan Najjarha](#)
- Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - [Ali Paidarfard](#), [Javad Naderi ooj Boghzi](#), [Ahmadreza Emtehani](#)
- Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - [Pouria Ebrahimzadeh](#), [Somayeh Rahmanian](#)
- Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - [Maryam SHA'ban](#)
- Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - [Amir Mohammadi](#), [Mohammadmahdi Heydari](#), [Soheyla Moradi GHaleh](#)
- The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - [Mostafa Fazaeli](#), [Arash Maleki](#)
- Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - [Saeed Asadzadeh](#), [Fatemeh Ahadi](#), [Mojtaba Kanjori](#)
- The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Pamian Shafae](#)
- Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Asad Akhzari Fard](#), [Ali Mardan Ahmadi](#)
- The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - [Mina Momeni](#), [Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi](#)
- Immigrant Children's Rights in National and International Documents - [Reza Khaje Nooredini](#), [Sayede Parisa Mirabi](#)
- The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - [Mostafa Karami Pour](#), [Mona Rajabzade Baghi](#)
- Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - [Maryam Kamaei](#)
- The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - [Zahra Vahabi](#), [Arash Razmi](#)
- The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Fatemeh Zahra Aslan](#)
- Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - [Somayeh Zilabi](#), [Sadeh Fetili](#), [Ebrahim Moghaddam](#)
- Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Hamidreza Norozian](#), [Nafiseh Dharovieh](#), [Mohammad Rasol Ansari Nia](#), [Neda Haghghi](#)
- Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - [Ali Mohammadi Jurkoye](#), [Ahmadreza Emtehani](#), [Javad Naderi ooj Boghzi](#)
- The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - [Mohammad Sadeq Darivand](#)
- Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - [Sadeh Fetili](#), [Mohammad Fetili](#), [Ebrahim Moghaddam](#)